

امپریالیسم خبری و شکل‌دهی به افکار عمومی

❖ دکتر محمدجواد نوروزی
پژوهشگر و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)



اشاره

شناخت و آگاهی درباره پدیده‌ها و رخدادها، نقش مهمی در موضع‌گیری فرد ایفا می‌کند از این‌رو می‌توان مدعی شد که موضع‌گیری‌های فردی و اجتماعی تابعی از شناخت و اطلاعات و اخباری است که از محیط پیرامونی دریافت می‌شود. از آنجا که امروزه رسانه‌های جمعی مهم‌ترین ابزار اطلاع‌رسانی در جهان معاصر به حساب می‌آیند، نقشی اساسی در نگرش و بینش انسان‌ها به

محیط خود و برخورد فعال با آن دارند. در متون دینی نیز بر شناخت و آگاهی به زمان و رخدادهای نوین تأکید شده است. امام علی (علیه‌السلام) در این باره به کمیل، یکی از اصحاب خود می‌فرماید: ای کمیل هیچ حرکتی (رخداد و حادثه‌ای) نیست؛ مگر اینکه تو درباره آن محتاج به شناخت و آگاهی هستی!

اطلاع‌رسانی و وسایل ارتباط جمعی در نظام سرمایه‌داری غرب نیز نقش مهمی در تمدن کنونی بشری ایفا می‌کند. به‌گونه‌ای که باید گفت به مثابه شریان خون در سیستم بدن انسانی است. از این‌رو، حیات و مرگ نظام حاکم بر غرب بستگی به تداوم جریان اطلاع‌رسانی دارد. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد نظام سرمایه‌داری، همواره تلاش دارد تا در سایه سلطه بر ابزار اطلاع‌رسانی، ابعاد سیاسی و اقتصادی امپریالیسم را حفظ کند. بدین‌جهت با حاکمیت بر تراست‌های خبری جهان، در صدد است تا افکار عمومی جهانی را در جهت اهداف خود هدایت کند.

سلطین و حکام سلطه‌طلب نیز، در بستر تاریخ در پی تغذیه فکری و فرهنگی مردم خود بوده‌اند و کوشش می‌کردند جریان خبررسانی را در انحصار خود داشته و افراد دیگری که در صدد آگاه‌کردن مردم بودند طرد و منزوی می‌کردند. چنانچه قرآن کریم از زبان فرعون بیان می‌کند که او تلاش داشت ملت خود را در استضعاف نگهدارد. یکی از ابعاد استضعاف، ضعف فکری بود. آنگاه که حضرت موسی (علیه‌السلام) تلاش می‌کرد قوم بنی‌اسرائیل را از سلطه فرعون نجات دهد، فرعون سعی می‌کرد ابتدا با اطلاعات غلطی که به قوم خود می‌داد، مردم را از گرایش به ایشان باز دارد. ^۲ به‌طور کلی در مواجهه حق و باطل، جبهه باطل با تمسک به شیوه‌های تبلیغی چون دروغ، افترا و تهمت مانع دستیابی مردم به حق می‌شده‌اند و در مقابل در جهت تداوم خود کوشیده است با استفاده از شعارهای زیبنده و فریبنده چهره کریه خود را در ورای آن بیپوشاند. در حقیقت می‌توان به این نتیجه رسید که باطل تداوم حیات خود را در ارتزاق از حق و کتمان خود در ورای حق یافته است.

باتوجه به آنچه گفته شد، پرسش اساسی این نوشتار آن است که آیا امپریالیسم خبری در شکل‌دهی افکار عمومی نقشی دارد؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه این نوشتار که به منزله هسته مرکزی بحث تلقی می‌شود عبارت از این است که امپریالیسم خبری در شکل‌دهی افکار عمومی نقش اساسی دارد. دیگر انگاره‌های این نوشتار عبارت است از:

- امپریالیسم خبری در شکل‌دهی افکار عمومی از شیوه‌های خاصی بهره می‌برد؛
- امپریالیسم خبری در شکل‌دهی افکار عمومی اهداف خاصی را پی می‌گیرد که برخی از این اهداف عبارتند از تبلیغ ارزش‌ها و ایدئولوژی حاکم بر غرب، و حفظ تداوم سلطه.

امپریالیسم خبری

رنسانس از زاینده تحولات پس از رنسانس است؛ تحولاتی که با فرهنگ حاکم بر قبل از رنسانس تفاوت جوهری داشته و شالوده فکری امپریالیسم در عصر حاضر محسوب می‌شود. در اوایل قرن بیستم، امپریالیسم به آن دسته از کشورهای اطلاعاتی می‌شد که طی سال‌های ۱۹۰۰-۱۸۸۰ سلطه خود را بر سرزمین‌های آسیایی و آفریقا گسترش دادند و امپراطوری به وجود آوردند. امپریالیسم با توجه به این پیشینه دارای محرک‌های اقتصادی و نظامی است.^۳ در فاصله جنگ جهانی دوم و سال‌های پس از آن، بعد دیگری از امپریالیسم، که امروزه از آن به امپریالیسم خبری یاد می‌شود شکل می‌گیرد. از این رو، می‌توان گفت کلمه «امپریالیسم خبری» به سلطه انحصارات خبری در دنیای اطلاعات اطلاق می‌شود و مقصود از آن سلطه‌جویی انحصاری در شریان‌های خبررسانی جهانی است. به عبارت دیگر، انحصارات رسانه‌ای است که در شبکه پیچیده سیاسی-اقتصادی حامل نشر فرهنگ سلطه است.

امپریالیسم در بستر تاریخی شکل‌های مختلفی به خود گرفته است. اما امپریالیسم در دنیای معاصر بیشترین تأثیر را بر جای گذاشته است و مراحل مختلف سوداگری، سیاسی، نظامی و امروزه فرهنگی را طی کرده است. فرایند شکل‌گیری امپریالیسم خود نوشته مستقلاً را می‌طلبید اما به‌طور مختصر غارت ثروت ملل دیگر طی قرون شانزدهم به بعد که موجب سودآوری برای اروپاییان شد، تجارت برده و تک‌محصولی کردن اقتصاد کشورهای تحت سلطه موجب وابستگی روزافزون کشورهای فقیر در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به جوامع اروپایی و آمریکا شد. علاوه بر این شیوه‌ها، اعتیاد به مواد مخدر، تقسیم کار بین‌المللی و تجارت جهانی سهم بسزایی در شکل‌گیری این امر داشته است.^۴ در رویکرد دینی، یکی از اسباب تشریح دین رفیع اختلاف و ایجاد امت واحد

است. براساس تعالیم دینی پیش از بعثت پیامبران، مردم همه یک امت بودند و به واسطه اختلاف‌هایی که میان آنها پیش آمد، خداوند پیامبرانی را جهت بشارت و انذار فرستاد و بعدها در خود دین نیز عده‌ای طغیان کردند که منشأ آن ستمگری بود.^۵

انسان به مقتضای طبیعتش اجتماعی است و تلاش می‌کند همه چیز را در استخدام خود درآورد و حتی دست به استعمار و استخدام هم‌نوع خود هم بزند. تنها دین است که از راه تشریح قوانین، در جهت کنترل انسانی تلاش دارد. یک سنت همیشگی تاریخ این است که تمامی امت‌های پیشین آمده‌اند و منقرض شده‌اند. همه آنها اجتماعات و تمدن‌هایی را تشکیل داده، دچار اختلاف شده‌اند و تنها تعالیم انبیا توانسته کمال سعادت بشری را تضمین کند. آنچه باعث سقوط تمدن‌ها شده است زیاده‌طلبی و استخدام‌طلبی انسان‌ها بوده است.^۶ امروزه نیز علی‌رغم پیشرفت دانش و ترقی و تمدن اجتماع بشری دچار انحطاط روزافزون است. جنگ‌های خانمان‌برانداز جامعه بشری را تهدید می‌کند و استعمار و زورگویی بر بشریت مسلط شده است. امپریالیسم تلاش می‌کند تا با نشر فرهنگ الحادی خود، بشریت را از خود بیگانه و از اصالت خویش تهی کند.

ماهیت امپریالیسم خبری

چهار خبرگزاری بزرگ جهانی با ایجاد انحصار خبری تلاش می‌کنند مردم جهان را تحت تأثیر خود قرار دهند. این خبرگزاری‌ها متعلق به سه کشور جهان بوده که روزانه بیش از چهل میلیون کلمه خبر در سطح جهان توزیع

می‌کنند. چهار پنجم خبرهای بین‌المللی مطبوعات کشورهای جهان سوم از طریق خبرگزاری‌های بزرگ غربی کسب می‌شود. از این رو در ظاهر در سطح جهان منابع دریافت خبری برای توده مردم متکثر است، اما در حقیقت وحدت حکمفرماست و همه به امپریالیسم خبری یعنی روح حاکم که سلطه بر چهار

خبرگزاری دارد ختم می‌شود. به عبارت دیگر، مخاطبان، اطلاعات خود را از طریق این چهار خبرگزاری که از طریق رسانه‌های گوناگون در سطح جهان قابل دریافت است، اخذ می‌کنند.^۷

در سطح جهانی میان شمال و جنوب یک نابرابری آشکار به چشم می‌خورد. عوامل این نابرابری جهانی بسیارند؛ از جمله قدرت فناورانه شمال و ضعف کشورهای جنوب، تجهیزات و سرمایه‌های خبرگزاری‌های چهارگانه، شمارگان انتشار مطبوعات، نشریات، ایستگاه‌های رادیویی و کانال‌های تلویزیونی را می‌توان ذکر کرد.

غرب در راستای ایجاد سلطه انحصاری و ایجاد امپریالیسم خبری طی دهه‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم، دکتترین «جریان آزاد اطلاعات» را مطرح کرده است. هدف آمریکا از طرح این مسئله، اثبات برتری مؤسسات مطبوعاتی و خبرگزاری‌های آمریکایی در قبال سه دولت بزرگ اروپایی بود. از این رو، کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات در اوایل سال ۱۹۴۸، با حمایت آمریکا تشکیل شد. اما پس از چندی کشورهای غیرمتعهد و جهان سوم در قالب «یونسکو» در مقابل این مسئله ایستادند، و غرب را متهم به ایجاد سلطه انحصاری و صدور فرهنگ خود به کشورهای جهان سوم کردند.^۸

مبانی فکری امپریالیسم خبری

امپریالیسم خبری بر اصول و پیش‌فرض‌هایی استوار است که عملکرد امروزه آنها نیز نتیجه منطقی اعمال چنین پیش‌فرض‌هایی است. به دیگر سخن، چنانچه جامعه دیگری نیز این مبانی فکری و فلسفی را داشته باشد، همین نقش و کارکرد را خواهد داشت. فرایند اطلاع‌رسانی از تهیه خبر توسط خبرنگاران گرفته تا گزینش، انتشار و تفسیر و تحلیل خبر مبتنی بر این پیش‌فرض‌ها و مبانی است. بنیان فکری این پدیده، منتج از تحولات فکری است که پس از رنسانس در مغرب‌زمین به وجود آمده است. بسیاری از نظریه‌هایی که با امپریالیسم خبری



مرتبط است، نظیر نظریه‌های توسعه جهان سوم نیز از این آبخور فکری تغذیه می‌کنند. نظریه والت روستو^۹ و دیگر نظریه‌ها بر این مفروض استوار است که توسعه لزوماً با سکولاریسم همسویی دارد، و کشورهای جهان سوم باید همان راهی را بروند که غرب پیمود. در حالی که لازمه توسعه، سکولاریسم نیست و این تنها انتخاب غربی‌ها بود که راه توسعه را در قالب سکولاریسم طی کنند. به نظر نگارنده دستیابی به توسعه دارای اصولی ثابت است که با تمسک به آن می‌توان به توسعه دست یافت و دستیابی به آن مستلزم پذیرش فرهنگ سکولاریستی نیست. مهم‌ترین اصولی که امپریالیسم خبری بر آن مبتنی است، عبارتند از:

- اومانیسیم یا اصالت انسان: طبق این اصل، انسان معیار و محک تشخیص «حق» از «باطل» است و آنچه مستند به امور ماوراء طبیعی و خداوند است، مورد تشکیک و نقد قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، آنچه هست اصالت دارد در قبال آنچه باید باشد. اصولاً یکی از تفاوت‌های بنیادین دیدگاه اسلام با غرب در نگرش به انسان است. بر اساس دیدگاه هابز و برخی اندیشمندان غربی، انسان موجودی شرور و بدخواه است. اگر هم در طول تاریخ اخلاق و ارزش‌های انسانی از او دیده می‌شود. اینها اموری جبری‌اند که ناشی از اجبار طبیعت هستند. در رهیافت اسلامی سرشت و طبیعت انسانی بر خیر و درستی و راستی بنا نهاده شده است و اصل در طبیعت بشر، نور و عدالت و تقوا و امانت است. اما چه چیز او را فاسد می‌کند؟ ژان ژاک روسو معتقد است که جامعه و طبیعت او را فاسد می‌کند. برخی روایات اسلامی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کنند.

از سوی دیگر، امپریالیسم خبری مبتنی بر داروینیسیم اجتماعی است. بر این اساس لازمه بقا «قدرت» است. امپریالیسم خبری نیز در این جهت تلاش می‌کند. طی سال‌های تشکیل خبرگزاری‌های عمده غرب، هریک تلاش کردند رقیبان خود

را از صحنه بیرون کنند. امروزه علی‌رغم شعار جریان آزادی اطلاعات، غرب سعی می‌کند استیلای خود را حفظ و از ظهور رقیبان جدید جلوگیری کند.

- نگرش به خدا و جهان: اصل تأثیر جهان‌بینی و فضای حاکم بر خبر در تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی نقش مهمی دارد. غرب امروز بر اساس سکولاریسم بنا شده است. در این سیستم فکری، جهان خلقت هدفمند نیست و آنچه اصالت دارد حق و خیر نیست، بلکه در این رویکرد، چه بسا جهان خلقت مبتنی بر پوچی و بطلان باشد و یا آمیخته‌ای از خیر و شر. در حالی که در رهیافت اسلامی اصالت در هستی با حق و خیر است. از این‌رو، عملی که مبتنی بر این جهان‌بینی و متأثر از آن است، با جهان‌بینی دیگر تفاوت دارد.

شلیفر یکی از متخصصان ارتباطات جمعی، ضمن تلاش در جهت تمایز میان کارکرد رسانه‌های اسلامی و رسانه‌های نوین غربی معتقد است که اصول مبنایی ژورنالیسم نوین مبتنی بر «حق دانستن» عامه مردم و «مقدس نبودن امور» است و حاکمیت این اصول مانند محوریت اصل بهره در بانکداری نوین است که ماهیتاً ضداسلام است.^{۱۰}

به لحاظ هدفمندی نیز با توجه به پیش‌فرض‌های دو دیدگاه، رسانه‌های جمعی اسلامی با غربی تمایز دارد. لذا شلیفر معتقد است که رسانه‌های جمعی اسلامی حق را تأیید و باطل را تقبیح

کلمه «امپریالیسم
خبری» به سلطه
انحصارات خبری
در دنیای اطلاعات
اطلاق می‌شود
و مقصود از
آن سلطه‌جویی
انحصاری در
شریان‌های
خبررسانی جهانی
است. به عبارت
دیگر، انحصارات
رسانه‌ای در شبکه
پیچیده سیاسی-
اقتصادی حامل نشر
فرهنگ سلطه است.

می‌کنند. از این‌رو، با رسانه‌های نوین متفاوتند که اخبار را برای تضاد و تنازع می‌خواهند و نه بر اساس صلح و ثبات.

بنابراین معیار حاکم بر امپریالیسم خبری «حق‌طلبی» هدایت نیست، بلکه مادیت و توسعه همراه با سکولاریسم است. در قرآن کریم پیرامون حضرت نوح (علیه‌السلام) داریم که اشراف و کسانی که به لحاظ اجتماعی دارای موقعیت بودند آن حضرت را متهم به گمراهی می‌کردند؛ زیرا در فرهنگ آنها، هر کس راهی جز راهی را که آنها می‌خواستند، برود و مردم را به طریق فراخواند که از تحت سلطه آنها بیرون روند گمراه است و راه زندگی را نیافته است.^{۱۱} در سایه دعوت انبیا مردم آگاه می‌شدند و با زنده‌شدن روح توحید و یکتاپرستی سلطه‌های مادی و غیرالهی از بین می‌رفت و موجب ایستادگی در قبال مستکبران می‌شد. از این‌رو، از دید قرآن همواره منزلت و رفاه قدرت‌های استکباری در گرو جهالت مردم است. اینگونه بود که با پیامبران الهی درگیر می‌شدند و به آنها تهمت می‌زدند تا توده مردم را از آنها منصرف کنند و در جامعه منزوی سازند.

- از خودبیگانگی: امپریالیسم خبری به لحاظ انسان‌شناختی مبتنی بر از خودبیگانگی است و یکی از پیامدهای این نظام خبری از خود بیگانه‌شدن است؛ از خودبیگانگی در عرصه‌های مختلف سیاسی، روانی، اعتقادی، اقتصادی و شغلی.

مهم‌ترین عوامل از خودبیگانگی در این نظام ناشی از حاکمیت فناوری و فن‌سالاری، پیچیدگی و رشد سازمان‌های اجتماعی و ماشینیسم است. به جای اینکه انسان حاکم بر این امور بوده و اینها در خدمت انسان باشد، قضیه برعکس است. در رویکرد دینی و اسلامی، اصولاً نظام‌هایی که از حقانیت برخوردار نبوده و دعوت به غیر حق می‌کنند، سرانجام به همین از خودبیگانگی می‌رسند. در فرهنگ استعماری، دین مردم توسط مستکبران حفظ می‌شود. دین تابع مستکبران است و نه آنها تابع دین. در چنین نظامی

افکار عمومی فرایندی

پیچیده است که

از ترکیب و تلفیق

دیدگاه‌های فردی و

جمعی، در بافت فرهنگی

یک جامعه مشخص به

دست می‌آید. هر گاه

درباره یک مسئله و یا

حادثه که در جامعه اتفاق

افتاده است یک جوّ فکری

مسلط وجود داشته

باشد، می‌گوییم «افکار

عمومی» شکل گرفته

است.

آنها تباه می‌شوند. از این‌رو، در دستگاه فرعون، وی به بنی‌اسرائیل گوشزد می‌کند که موسی در صدد فساد در روی زمین و از بین بردن ارزش‌های دینی است.^{۱۲}

- **نسبیت اخلاق:** در قلمرو اخلاق مطبوعاتی و رسانه‌ای، سیستم امپریالیسم خبری مبتنی بر نسبیت اخلاق است. هیچ ارزش اخلاقی مطلق در این سیستم فکری یافت نمی‌شود و مفاهیم اخلاقی تابع قدرت، منافع و... است. بنابراین یکی دیگر از کانون‌های تعارض میان فرهنگ اغلب در نظام خبررسانی و فرهنگ‌های دیگر در جایگزینی کمال نسبی و رشد نسبیت به جای کمال مطلق است. در نظام‌های دینی و به خصوص اسلامی ما معتقد به کمال مطلق و مفاهیم ارزشی مطلق هستیم. بدیهی است که اختلاف در مبانی باید به‌طور منطقی در مسائل روئینایی نظیر نظام خبررسانی نیز اثر بگذارد و عملکرد خبرنگار مسلمان با خبرنگار غربی باید تفاوت داشته باشد.

- **تقسیم کار بین‌المللی:** تقسیم کار یکی از سازوکارهای غربی در جهت حفظ وابستگی جوامع به غرب است. جهان سوم به تولید مواد خام می‌پردازد. امپریالیسم تلاش می‌کند از داد و ستد کشورهای جهان سوم جلوگیری کند و این روابط از طریق او صورت گیرد. در زمینه ارتباطی هم قضیه همین‌طور است. اگر حادثه‌ای در بنگلادش اتفاق افتد ابتدا در مطبوعات غرب نظیر انگلیس منعکس می‌شود و سپس جوامع جهان سوم مطلع می‌شوند و یا در زمینه فرآورده‌های علمی، جوامع جهان سوم مصرف‌کننده تولیدات امپریالیسم در تمامی زمینه‌های فرهنگی، ارتباطی، سیاسی، اقتصادی و... هستند.

به لحاظ ساختاری هم امروزه در درک حوادث یک کشور و پردازش آن، جوامع به سراغ خبرگزاری‌های معروف می‌روند؛ زیرا اخباری که از منابع جهان سوم اخذ می‌شود بیشتر جنبه تبلیغاتی داشته و قابل اعتماد نیست. در حالی که تراست‌های خبری به جای جنبه‌های تبلیغاتی تلاش می‌کنند جنبه اطلاع‌رسانی داشته باشند.

مستکبران مردم را از آگاهی‌ها و فرهنگ واقعی دور نگه می‌دارند و آنچنان برای آنها برنامه‌ریزی می‌کنند که جز به زندگی مادی نیندیشند، و اگر به معنویت هم معتقد باشند، در جهت تبیین وضع موجود است. در این نظام، انسان از شخصیت خود تهی و وابسته به قدرت‌ها می‌شود. وابستگی و حرمان بخشی از جوهره ذاتی آنها می‌شود؛ به‌گونه‌ای که باورش‌شان می‌شود که اگر مستکبران از آنها روی برگردانند،

اگر در اخبار دخل و تصرف می‌کنند بسیار زیرکانه است و سعی می‌کنند اصول ظاهری خبر را مراعات کنند.^{۱۳}

- استثمار: خاستگاه شکل‌گیری امپریالیسم خبری، استثمار جوامع جهان سوم است. از این‌رو، پیش‌فرض غربی‌ها سلطه‌جویی نسبت به جهان است. نگرش آنها به جهان به گونه‌ای است که احتیاجات و منابع آنها ایجاب کند. استثمار و تلاش در جهت دستیابی به بازار جوامع جهان سوم، یکی از باورهای امپریالیسم خبری است. در پیشینه تاریخی شکل‌گیری امپریالیسم، آنها خود را محق در غارت و کشتار مردم محروم می‌دانستند و از این امر هیچ احساس شرم نمی‌کردند. ذهنیت غربی که گزارشگر بر اساس آن تربیت شده است تصویری که از جهان سوم دارد، حاکمیت بحران، فساد و بی‌ثباتی و تبعیت این جوامع از غرب است. بدیهی است اخبار و رخدادهایی که جلب توجه او می‌کند نیز در این زمینه است.

استثمار به صورت یکی از اجزای فرهنگ غرب درآمده است و «روشنگری» و «غارگری» بی‌رحمانه غرب دو روی یک سکه‌اند.^{۱۴}

- امپریالیسم خبری به مثابه ابزار قدرت: امپریالیسم خبری در خدمت تحکیم پایه‌های قدرت جهان سرمایه‌داری عمل می‌کند. در این راستا، بدون نیاز به لشکرکشی نظامی، با تجزیه و تحلیل رخدادهای سیاسی به‌طور دلخواه و تحمیل ارزش‌های غربی به جوامع دیگر در استحکام اقتدار خود می‌کوشد. امپریالیسم خبری با تغییر نظام ارزشی جوامع، افکار را در جهت منافع خود شکل می‌دهد.^{۱۵} از سوی دیگر امپریالیسم خبری به منزله خرده‌سیستم مکمل دیگر اجزای نظم امپریالیستی است؛ به این معنی که در خدمت سوداگری اقتصادی، نظامی-گری و فرهنگ نظام سلطه است.^{۱۶} از سوی دیگر چهار خبرگزاری خود به مثابه یک سیستم قوی عمل می‌کند که بر ورودی و خروجی اطلاعات نظارت تام دارد. امپریالیسم خبری در اعمال سیاست‌های

مهم‌ترین هدف رسانه‌های اسلامی در اطلاع‌رسانی، ابلاغ پیام الهی و تلاش در جهت رشد و تعالی انسان‌هاست؛ تلاش در جهت گسستن قیود بندگی غیر خدا و رهنمون ساختن افراد و جوامع به آزادی، تفکر و رفع بندگی دیگران. اسلام تلاش می‌کند افکار انسان‌ها را از مادیات و زنجیرهایی که مستکبران به پای آنها بسته‌اند رهایی بخشد و به سعادت و صلاح رهنمون سازد.

- انحصاری بودن جریان خبررسانی در سطح بین‌المللی: انحصارطلبی و وسایل ارتباط جمعی جزء جوهره امپریالیسم خبری است. در تحقق این انحصار، غرب علی‌رغم شعار جریان آزاد اطلاعات در سیستم اطلاع‌رسانی جوامع جهان سوم ایجاد اختلال می‌کند. در حالی که یونسکو و برخی کشورهای جهان سوم تلاش می‌کنند با گسترش ارتباط جنوب-جنوب از حاکمیت انحصاری امپریالیسم خبری بکاهند، اما غرب تلاش می‌کند این سلطه انحصاری را حفظ کند و سعی می‌کند با طبیعی جلوه‌دادن جریان خبررسانی جهانی، رعایت اختفا در محتوا، القای بی‌طرفی و ایفای نقش دوار عادل و اختفا در سطوح مختلف سازمان‌دهی و همچنین حاکمیت منحصربه‌فرد خود را حفظ کند. بر پایه این مبانی فکری و براساس نظام ارزشی غرب، خبرنگار غربی اخبار را تهیه و منتشر می‌کند. فیلترهایی که نظام امپریالیسم خبری از تهیه تا انتشار از آن استفاده می‌کند، برخاسته از نظام فکری آن است.

از این‌رو، ضروری است که در جهت مواجهه با امپریالیسم خبری، بستری که امپریالیسم خبری در آن شکل گرفته و نظام ارزشی که از آن تغذیه می‌کند را شناسایی و با آن مقابله کنیم.^{۱۸} رویارویی خبری و فرهنگی غرب با جهان اسلام ناشی از مبانی و شالوده‌های فکری است. این رویارویی ماهیتی فکری و سیاسی دارد.

نظام استکباری که امروزه بر غرب حکمفرماست، به لحاظ جوهری نمی‌تواند کسی را هم‌شان و یا برتر از خود ببیند. غرب چون حامل یک جهان‌بینی و اندیشه است، خواهان گسترش آن در جهان و رفع موانعی است که سر راه نفوذ آن است. در طول تاریخ مواجهه حق و باطل از این منطق تبعیت می‌کرده است.^{۱۹}

افکار عمومی

افکار عمومی برابند دیدگاه‌های مشترک تعدادی زیاد از مردم یک جامعه درباره مسائل اساسی و عمومی زندگی جمعی

خود تمامی ویژگی‌های یک سیستم واقعی را داراست و گرچه شخصیت حقوقی مستقلی ندارد، اما تلاش می‌کند تا با تغییر نظام ارزشی و با کنترل اطلاعات در فرایند تصمیم‌گیری افراد تأثیر گذارد. با تغییر نظام ارزشی و کنترل اطلاعات، فرد و جامعه استعمارزده در خدمت منافع استعمارگر قرار می‌گیرد.^{۱۷} فرد در این سیستم فکر می‌کند آزاد است، اما در حقیقت چنین نیست.

**یکی از کانون‌های
تعارض میان فرهنگ
اغلب در نظام خبررسانی
و فرهنگ‌های دیگر در
جایگزینی کمال نسبی و
رشد نسبی به جای کمال
مطلق است. در نظام‌های
دینی و به‌خصوص
اسلامی ما معتقد به کمال
مطلق و مفاهیم ارزشی
مطلق هستیم. بدیهی
است که اختلاف در مبانی
باید به‌طور منطقی در
مسائل روبنایی نظیر
نظام خبررسانی نیز اثر
بگذارد و عملکرد خبرنگار
مسلمان با خبرنگار غربی
باید تفاوت داشته باشد.**



است. درباره افکار عمومی دیدگاه‌های متعددی مطرح است. فدرالیست‌ها معتقدند که تمامی دولت‌ها متکی به افکار عمومی‌اند.^{۲۰} هابز معتقد است که افکار عمومی دنیا را اداره می‌کند و استوتزل عقیده دارد که افکار عمومی عبارت از جریان‌های مربوط به پدیدارها و برخی از فرایندها و نیز گاه نتیجه نهایی این فرایندهاست.^{۲۱}

جان اسپیر می‌گوید افکار عمومی پدیده جدیدی است و ریشه‌های آن را باید در انقلاب فرانسه جست‌وجو کرد. وی افکار عمومی را مبنای اصلی قوانین انگلیس می‌داند و آن را اظهارنظرهای رایج درباره مسائل کشور تعریف می‌کند.^{۲۲}

طبق آنچه گفته شد، افکار عمومی پدیده‌ای اجتماعی و نتیجه کنش و واکنش ذهنیت بسیاری از افراد جامعه است. بنابراین نتیجه و محصول ارتباطات و آثار متقابل آن است. جامعه‌ای که تفاهم ذاتی ندارد، افکار عمومی نیز ندارد. زمینه پیدایی افکار عمومی بحث و گفت‌وگوی عمومی است. وقتی موضوعی محور بحث‌های عمومی قرار گرفت، موضوع افکار عمومی می‌شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که افکار عمومی فرایندی پیچیده است که از ترکیب و تلفیق دیدگاه‌های فردی و جمعی، در بافت فرهنگی یک جامعه مشخص به دست می‌آید. هر گاه درباره یک مسئله و یا حادثه که در جامعه اتفاق افتاده است، یک جوّ فکری مسلط وجود داشته باشد، می‌گوییم «افکار عمومی» شکل گرفته است.

درباره امنیت افکار عمومی و فرایند شکل‌گیری آن، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد. پل لازارسفلد معتقد است که پیام رسانه‌ها بر پیام‌گیران به‌صورت فردی تأثیر نمی‌گذارد، زیرا فرد متعلق به گروه است و در او تعلقات گروهی وجود دارد و نیز معتقد است که تأثیر پیام رسانه‌های جمعی بر افکار عمومی یک اندازه نیست، زیرا توده‌هایی که افکار عمومی در آن پدید می‌آید دارای ساختارند. از این‌رو، این فکر را پیش می‌کشد که رسانه‌ها، در مرحله نخست، پیامشان به رهبران

فکری می‌رسد و در مرحله دوم رهبران فکری، پیام را میان اطرافیان خود منتشر می‌سازند.

ویلبر شران تأثیر متقابل نفوذ شخص و رسانه‌های جمعی را به‌صورت فرایند N مرحله‌ای ذکر می‌کند؛ به این معنا که گروه‌های تأثیرگذار خود به نوبت می‌توانند تحت تأثیر گروه‌های دیگر قرار گیرند و از آنها کسب اطلاع کنند و این امر می‌تواند مراحل گوناگون داشته باشد.^{۲۳} از سوی دیگر، ریموند بوتسر معتقد است که گیرندگان پیام به هیچ‌وجه حالت انفعالی ندارند و در واقع گیرندگان پیام آنچه خود از رسانه‌های جمعی می‌خواهند و با نیازها و نظریات آنها مطابقت دارد، می‌گیرند و به ندرت بر اثر تحریک رسانه‌های جمعی تغییر عقیده می‌دهند.^{۲۴}

تونیس نیز معتقد است که روزنامه‌ها، اندیشه‌ها و افکار عمومی را به‌صورتی جالب و مؤثر تهیه و عرضه می‌کنند. مطبوعات رکن اصلی افکار عمومی را تشکیل می‌دهند که از بسیاری جهات قابل مقایسه با قدرتی است که دولت‌ها، ارتش‌ها و سازمان‌های اداری متمرکز کرده‌اند و حتی از آن نیز گاهی برتر است.^{۲۵}

به نظر می‌رسد که پیش‌فرض بسیاری از این دیدگاه‌ها مبتنی بر تعریف و دریافتی است که صاحبان آن از انسان دارند. در این مقوله شکی نیست که وسایل ارتباط جمعی بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارند، اما چگونگی انجام این عمل، روند خاصی را طی می‌کند. به هر حال مفروض برخی از این دیدگاه‌ها آن است که انسان را به منزله نوار خالی فرض می‌کند که توسط محیط و اجتماع شکل می‌گیرند و در این رهگذر رسانه‌های جمعی بیشترین نقش را در شکل‌دهی شخصیت او ایفا می‌کنند. این نگرش به انسان صحیح نیست. میزان و روند تأثیرگذاری تابعی از شخصیت فکری و فرهنگ مخاطبان است. برخی جوامع به لحاظ شخصیت فرهنگی چنان قوی هستند که همه فرهنگ‌های دیگر را در خود ذوب می‌کنند، اما تحت تأثیر پیام‌های آن واقع نمی‌شوند. در

مقابل برخی جوامع با کمترین تبلیغی تسلیم می‌شوند. از این رو ضروری است در تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی بر افراد و جوامع، به مخاطبان پیام توجه ویژه‌ای مبذول داریم. اگر انسانی را صاحب اندیشه و تفکر و انتخاب فرض کنیم، بدیهی است در این صورت در مواجهه به امواج تبلیغاتی می‌تواند با تأمل، تفکر و کاربرد بینش خود، سره را از ناسره تشخیص داده و گزینش کند و تسلیم خواسته‌های صاحبان پیام به طور مطلق واقع نشود.

از سوی دیگر، از رهگذر مبانی دینی، همراهی یک فرد با افکار عمومی مطلوب نیست. هر فرد دارای شخصیت مستقل است و در عین اینکه باید ملاحظه افکار عمومی را بکند، اما تبعیت و هم‌رنگی با افکار عمومی مطلوب نیست. در جوامعی که انبیا برانگیخته شده‌اند، و در جوامعی که مصلحان دینی، به اصلاحگری دینی دست زده‌اند، چه بسا افکار عمومی منطبق با خواست آنها نبوده، اما آنها بر اساس رسالتی که خود را مأمور به آن می‌دانسته‌اند قیام کرده‌اند و با استفاده از قانون تدریج توانسته‌اند کم‌کم افکار عمومی را که هرگاه فساد بر جامعه مستولی شود، عالم دینی باید علم خود را اظهار کند و دست به اصلاحگری بزند و هر گاه فساد بر جامعه حاکم شود، انسان نباید نسبت به پدیده‌ها و اشخاص حسن‌ظن داشته باشد، بلکه باید مراعات کند تا خود در موج فساد غرق نشود.

نکته دیگری که در افکار عمومی باید آن را مورد ملاحظه قرار داد، این است که انسان دارای بینش است و این بینش برخاسته از باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و آگاهی‌هایی است که از محیط پیرامون کسب می‌کند.

مهم‌ترین کارویژه بینش‌های فرد آن است که معیار و محکی است جهت پذیرش یا طرد پیام‌هایی که به او القا می‌شود. از این رو ضروری است به این نکته توجه شود که باورها و اعتقادات فرد و در یک کلام بینش او معیار اساسی در برخورد با پیام‌هایی است که وارد دستگاه ذهنی او می‌شود.

مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری افکار عمومی را می‌توان در نقش مطبوعات، رسانه‌های جمعی، رهبران جامعه و تبلیغات جست‌وجو کرد.

امپریالیسم خبری از دید اندیشمندان علوم ارتباطات

درباره ماهیت امپریالیسم خبری و اهداف و شیوه‌های اجرایی آن در کشورهای جهان سوم دیدگاه‌های نظریه‌های متعددی وجود دارد. تئودور آدرنو معتقد است که تولیدات وسایل ارتباط جمعی نقشی تجارتي یافته است و به منزله کالاهای صنعتی‌اند و مصرف‌کنندگان عمده آن توده مردم بوده و نقشی تحذیرکننده بر آنها دارند.^{۲۶}

لویی آلتوسر وسایل ارتباط جمعی را از ابزارهای اساسی قدرت برمی‌شمرد و آن را دستگاه ایدئولوژیک که نقش مشروعیت‌بخشی به غرب را دارد، می‌داند.^{۲۷}

مکتب گلاسکو که یکی از دیدگاه‌های مهم پیرامون امپریالیسم خبری است، ضمن موهوم‌شمردن بی‌طرفی امپریالیسم خبری معتقد است که خبر به طرز اجتماعی ساخته می‌شود و یک پدیده طبیعی نیست، بلکه محصول ایدئولوژی است. اینها معتقدند که مفهوم بی‌طرفی فقط ایدئال است و خیرها آئینه واقعیت‌ها نیستند. رویدادهایی که گزارش می‌شوند به دلیل اهمیت ذاتی آنها نیست، بلکه معیارهای پیچیده گزینش خبر نقش اصلی را ایفا می‌کنند. خبر پس از گزینش در مرحله استحاله‌شدن قرار می‌گیرد. عوامل استحاله خبر عبارتند از: شیوه درج خبر - اعم از خط و صدا و تصویر - خواص فیزیکی رسانه‌ها و شکل کاربرد آنها. پس خبر یک رویه است که نه تنها واقعیت‌های اجتماعی و حقایق را بی‌طرفانه منعکس نمی‌کند، بلکه در «ساخت اجتماعی خبر» هم مداخله می‌کند.^{۲۸}

در ارزیابی این دیدگاه باید افزود که مکتب گلاسکو با واقعیت منطبق است و در شیوه‌های امپریالیسم خبری و فرایند تهیه خبر بیان می‌کنیم که امپریالیسم

خبری در تهیه خبر از جمع‌آوری اخبار تا انتشار بر اساس منافع گروه‌های حاکم عمل می‌کند. نگاه نقادانه این مکتب در بردارنده واقعیتی است که این امر در طول تاریخ سریان و شیوع داشته است. حتی در روباوویی ستمگران با تعالیم انبیا نیز ما شاهد چنین خبرسازی و جعل واقعیت‌ها بر اساس منافع مستکبران هستیم.

گلرینگ و الیوت نیز در پژوهشی که پیرامون اخبار رسانه‌های جمعی انجام داده‌اند، خاطر نشان کرده‌اند که دستیابی به بی‌طرفی و ارائه واقعیت بدون جهت‌گیری امری مشکل است. بی‌طرفی از دیدگاه BBC تلاش در جهت پرهیز از هرگونه بحث و جدل و در نتیجه ایجاد توازن در میان مسائل مورد بحث است. اما برای برخی پژوهشگران، بی‌طرفی در اخبار خیالی واهی است. آنها معتقدند که اخبار این امکان را به ما نمی‌دهد که درک کاملی از اهمیت حوادث در جامعه خود داشته باشیم، بلکه این حوادث را برای ما مبهم‌تر و پیچیده‌تر می‌کند.^{۲۹}

به نظر می‌رسد دیدگاه این پژوهشگران نیز ریشه در برخی پیش‌فرض‌ها دارد که جای آن در مسائل فلسفه علم است.

بسیاری از نظریه‌های جهان سوم که پس از جنگ جهانی دوم و با هدف بررسی علل عقب‌ماندگی جوامع جهان سوم صورت پذیرفته است نیز با مسائل ارتباطات مرتبط است. در یک رویکرد کلی می‌توان مدعی شد که این نظریه‌ها بدون در نظر گرفتن موقعیت و شرایط جغرافیایی جهان سوم، همگام با امپریالیسم جهانی تلاش کرده‌اند تا با ارائه نظریه‌های علمی وابستگی جهان سوم به غرب و تداوم استعمار نو را حفظ کنند. در این راستا، آمریکا به موازات تلاش در جهت پیشبرد دکترین «جریان آزاد اطلاعات» شیوه سیاسی جدیدی در زمینه کمک به نوسازی کشورهای جهان سوم دنبال کرد. در دستیابی به این مهم، عده‌ای از جامعه‌شناسان آمریکایی نظریه‌ها و الگوهای غربی توسعه را پی‌ریزی کردند. دانیل لرنر درباره چگونگی نوسازی جوامع

اسلامی خاورمیانه (ایران، ترکیه، سوریه، مصر و...) در سال‌های ۵۳-۱۹۵۰ و نگارش گزارش آن در سال ۱۹۸۵ در کتاب **گذر از جامعه سنتی: نوسازی خاورمیانه** مدعی است که الگوی غربی نوسازی، که در طول سه قرن در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی پیاده شده است، دارای عناصر و مراحل مختلفی است که تحقق آنها در تمامی کشورهای دنیا امکان‌پذیر است و به همین دلیل جنبه جهانی دارد. به عقیده او افزایش شهرنشینی به گسترش سودآموزی و گسترش سودآموزی به افزایش استفاده از وسایل ارتباط جمعی می‌انجامد و توسعه ارتباطات جمعی به نوبه خود با مشارکت اقتصادی (افزایش درآمد) و سیاسی همراه می‌شود.^{۳۰}

پیرامون الگوهای حاکم بر جریان بین‌المللی اخبار که یکطرفه است، سه الگو مشهور است:

- مدل اول «مرکز- پیرامونی» است که متعلق به گالتونگ^{۳۱} است. این دیدگاه متأثر از نظریات وابستگی در مجموعه نظریات جهان سوم است. در این دیدگاه جهان به دو اردوگاه مرکز و پیرامون تقسیم می‌شود و تبادل خبر میان ملل پیرامون بسیار ضعیف است و رویدادهای مرکز از اکثریت برخوردارند و تبادل خبر در میان ملل مرکز با پیرامون به اندازه تبادل خبر در میان ملل مرکز با مرکز نیست.^{۳۲}

نظریه گالتونگ متأثر از دیدگاه‌های ساختاری در جامعه‌شناسی است که در آن نقش فرد و انسان آگاه دست کم گرفته می‌شود و ناشی از روند جبرگرایانه محیط خارجی است؛ در حالی که از دیدگاه دینی انسان با تعریفی که دین از آن ارائه می‌کند، قادر بر درهم‌ریختن قالب‌ها و ساختارهاست.

- دو مدل دیگر یکی «مدل شمال- جنوب» است که طبق آن ارائه اخبار بیشتر عمودی است و از شمال به جنوب جاری می‌شود و دیگری «مدل مثلثی» که همچون مدل شمال- جنوب عمل می‌کند، با این تفاوت که شمال را به شرق و غرب تقسیم می‌کند.

پائولو فریره، اندیشمندی برزیلی است که با نگرشی انتقادی به نقش ارتباطات در جهان سوم پرداخته است. او ارتباطات و نظام‌های کنونی آموزشی را به‌عنوان شبکه‌های سلطه‌گری و تسلیم جهان سوم معرفی می‌کند. به عقیده او، انتقال معلومات از یک منبع معرفتی قدرتمند به دریافت‌کنندگان انفعالی به‌هیچ‌وجه در رشد شخصیت آنها تأثیر مثبت نمی‌گذارد و به ایجاد خودآگاهی مستقل و انتقادگر و تواناسازی افراد برای مشارکت در حل مسائل اجتماعی کمک نمی‌کند. وی معتقد به پی‌ریزی نظامی است که در سایه آن به توانایی افراد برای آموزش و فراگیری، دگرگونی و رهایی از شرایط سرکوب‌کننده جهل و فقر و استثمار مساعدت شود. وی بر تماس مستقیم مخاطبان با واقعیت‌های اجتماعی و طرد تفاوت‌ها میان آموزش‌دهنده و آموزش‌گیرنده تأکید می‌کند.^{۳۳}

مک‌لوهان نیز تغییرات نظام‌های اجتماعی را ناشی از نظام‌های ارتباطی می‌داند. به نظر وی، نظام ارتباطی تعیین‌کننده محتوای پیام‌هاست و به‌طور خلاصه گوید پیام همان وسیله ارتباطی است؛ به این معنا که رسانه‌ها نه تنها از محتوای پیام خود جدا نیستند، بلکه شرط اساسی شکل‌گیری شیوه‌های رفتار با کردار هم هستند، زیرا رسانه‌ها از طریق پیام‌های خود بر فرهنگ و تفکر تأثیر می‌گذارند.^{۳۴}

در دیدگاه مک‌لوهان، افراط‌هایی به چشم می‌خورد. در این شکی نیست که رسانه‌ها در انتقال پیام‌ها و شکل‌گیری تمدن‌ها مؤثرند. اما اینکه آن را عامل اساسی فرض کنیم و تفکر و پیام‌هایی را که برخاسته از تفکرند تابعی از رسانه جمعی تلقی کنیم، درست نیست. به هر حال در یک جمع‌بندی کلی باید گفت هم پیام، هم رسانه و هم وضعیت حاکم بر جامعه همه و همه در شکل‌گیری تفکر جدید و جامعه جدید نقش دارند و عامل اساسی-تر این تحولات را باید به تفکر و پیام‌های برخاسته از آن داد.

اهداف امپریالیسم خبری

امپریالیسم خبری با ایجاد انحصار خبررسانی در سطح جهان، که امروزه یکی از پایه‌های قدرت غرب محسوب می‌شود، اهدافی را تعقیب می‌کند. مهم‌ترین اهداف امپریالیسم خبری را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

- **تحمیل و حاکمیت ارزش‌های غربی:** یکی از کارکردهای وسایل ارتباط جمعی، فرهنگ‌سازی است. امپریالیسم خبری این نقش را در قالب تبلیغ و القای ارزش‌های غربی و به دنبال آن، وابستگی فرهنگی جوامع پیگیری می‌کند. یکی از اهداف امپریالیسم خبری اثبات برتری جهان‌بینی غربی و تلاش در جهت تسخیر اذهان انسان‌ها برای پذیرش آن است. آنها درصددند کشورهای جهان سوم را با طرز جهان‌بینی، شیوه زندگی غربی، آشنا کرده و بدان رهنمون سازند تا از آنها در جهت منافع غیرمشروع خود بهره‌برداری کند.^{۳۵}

آیزنهاور پس از جنگ جهانی دوم در دهه ۱۹۵۰ اعلام کرد که بزرگ‌ترین جنگی که در پیش داریم، جنگی است برای تسخیر اذهان انسان‌ها. از این‌رو آنها با تمام توان تلاش می‌کنند در عقاید و افکار جهانی نفوذ کرده و آن را مخدوش سازند و نظم نوینی را بر اساس تفکر غرب پی‌ریزی و حاکم نمایند. البته این رسانه‌ها در کشورهای غربی که عقاید و ارزش‌های مخاطبان همسو و منطبق با خواست و اهداف رسانه‌هاست، درصدد تثبیت و تقویت آن ارزش هستند. اما در جوامع جهان سوم، امپریالیسم خبری در جهت تغییر و تحمیل ارزش‌ها تلاش می‌کند.^{۳۶} امپریالیسم خبری فرهنگ و سنن خود را در این کشورها تسری می‌دهد و از شگردهای مختلف در جهت ایجاد شبهه در عقاید و حقایق بهره می‌برد و اهداف خود را با رنگ و پوشش حقیقت به مخاطبان عرضه می‌کند.

- **مخدوش کردن چهره فرهنگی ملل محروم و جهان سوم:** امپریالیسم خبری در جهت حاکمیت‌بخشیدن و تحمیل فرهنگ خود، فرهنگ جهان سوم

را به‌عنوان راهبردی برای دستیابی به هدف کلان مذکور مخدوش جلوه می‌دهد. این امر ناشی از جوهره و خوی استکبار است که همواره خود را برتر از دیگران می‌بیند و ارزش‌ها و فرهنگ جوامع دیگر را به هیچ می‌انگارد. امروزه بسیاری از کالاهای فرهنگی غرب در جهت مشوه جلوه‌دادن فرهنگ جوامع دیگر صورت می‌گیرد. طی سال‌های تحمیل جنگ از سوی عراق علیه ایران، فیلم‌های بسیاری از سوی مجامع غرب تهیه شد. از جمله این فیلم‌ها می‌توان از فیلم **بدون دخترم هرگز** یاد کرد. فیلم **مرگ یک پرنسس** نمونه دیگری است که مهم‌ترین انگیزه آن القای اختلاف فاحش فرهنگ به اصطلاح متمدن غرب نسبت به جهان عقب‌افتاده است که در نتیجه برتری فرهنگ غرب را دربر دارد.^{۳۷} در طول تاریخ نیز مشاهده شده است که مستکبران هرگاه در جهت تضعیف نیروهای حق طلب برآمده و یا توان درگیری و مبارزه مستقیم با این نیروها را نداشته‌اند، شروع به مسخ اهداف و آرمان‌های آنها کرده و با تبلیغات مسموم اذهان توده‌ها را نسبت به پیام الهی مخدوش کرده‌اند.

- مشروعیت بخشی به نظام سیاسی و فرهنگی حاکم بر غرب: یکی دیگر از اهداف امپریالیسم خبری حق جلوه‌دادن سیستم سیاسی و فرهنگی غرب است، چنانچه دیوید بارات از مکتب گلاسکو می‌گوید: مهم‌ترین هدف شیوه‌های خبررسانی غرب حرکت در جهت تثبیت منافع حاکم بر غرب است.

جورج گربرنر نیز معتقد است که وسایل ارتباط جمعی بازوی فرهنگی نظم صنعتی در غرب هستند. به همین دلیل اخباری که امپریالیسم خبری ارائه می‌دهد ناظر بر منافع کارفرمایان صنایع غرب است، سرشار از جانبداری و فقدان بی‌طرفی.^{۳۸} بسیاری از نظریه‌پردازان نیز در سیاست بین‌الملل، مبتنی بر مشروعیت بخشی حاکمیت غرب بر کل جهان است؛ به گونه‌ای که قدرت‌های جهانی به تبع قدرت خویش منافی در کل جهان برای

خود قائل هستند.

- تربیت انسان‌هایی مطیع و فاقد تفکر و تعقل: هدف اصلی رسانه‌های غربی جهت‌دادن به تفکر و اندیشه ملت‌هاست. در این راه، آنها دنبال تربیت انسان‌هایی هستند که فاقد هرگونه تعقل و تفکر و عقیده باشند. در مقابل بسیاری از اندیشمندان غربی نیز شعار آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در غرب را به تمسخر می‌گیرند و آن را تنها شعاری در جهت مخفی‌نگهداشتن چهره واقعی غرب می‌دانند. از دیدگاه منابع دینی، هدف اصلی استکبار در اطلاع‌رسانی افساد در زمین است. **قرآن کریم** در این باره گوشزد می‌کند که اگر خداوند به وسیله برخی انسان‌ها، برخی دیگر را دفع نمی‌کرد زمین فاسد می‌شد.^{۳۹} از سوی دیگر درگیری جوامع، ماهیتی ایدئولوژیکی دارد. صاحبان یک فکر و عقیده تلاش دارند موانع را از سر راه بردارند و عقاید خود را تبلیغ کنند.

مهم‌ترین هدف رسانه‌های اسلامی در اطلاع‌رسانی، ابلاغ پیام الهی و تلاش در جهت رشد و تعالی انسان‌هاست؛ تلاش در جهت گسستن قیود بندگی غیر خدا و رهنمون ساختن افراد و جوامع به آزادی تفکر و رفع بندگی دیگران. اسلام تلاش می‌کند افکار انسان‌ها را از مادیات و زنجیرهایی که مستکبران به پای آنها بسته‌اند رهایی بخشد و به سعادت و صلاح رهنمون سازد.

شیوه‌های امپریالیسم خبری در

شکل‌دهی به افکار عمومی

امپریالیسم خبری مدعی آزادی ارتباطات و بی‌طرفی آن است، اما نگاهی به عملکرد و شیوه‌های اطلاع‌رسانی آن گویای این است که شعار آزادی مطبوعات و ارتباطات، افسانه‌ای بیش نیست. این شبکه گسترده خبری به‌منظور هدایت و سامان‌دهی افکار عمومی در جهت منافع نامشروع و خواسته‌های خود از تهیه خبر تا انتشار آن کنترل‌ها و گزینش‌های بسیاری را اعمال می‌کند. برخی از شیوه‌های امپریالیسم خبری را می‌توان در محورهای زیر متذکر

شد:

- گزینش اطلاعات: انتخاب و گزینش اخبار و اطلاعات یکی از شیوه‌های رسانه‌های خبری در شکل‌دهی به افکار عمومی است. هر روزنامه، مجله یا گزارش خبرگزاری‌ها را وقتی ملاحظه می‌کنیم همه مشتمل بر یکسری انتخاب‌هاست. به افرادی که در فرایند تهیه و ارائه پیام‌های خبری فعالیت دارند، گزینشگر می‌گویند. گزینشگر براساس معیارها و ضوابطی اقدام به گزینش اخبار و اطلاعات می‌کند. از معیارهای مهمی که بر گزینش اخبار حاکم است می‌توان به دو مورد زیر اشاره کرد:

گزارش‌دهی، تهیه خبر و آموزش خبرنگاری در نظام امپریالیسم خبری همواره با مبانی ارزشی و رفتاری غرب است و ارزیابی آن نیز با معیارها و ملاک‌های غربی.

- دخالت ارزش‌های حاکم بر روزنامه‌نگار؛

- دخالت ارزش‌های حاکم بر روزنامه‌نگار: امپریالیسم خبری آن‌گونه به جهان و محیط پیرامون خود می‌نگرد که احتیاجات و منافع او ایجاب کند. سلطه‌جویی در فکر و برداشت غربی‌ها نسبت به جهان امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. خبرنگاران و گزارشگران نظام امپریالیسم خبری بر اساس ارزش‌ها و جهان‌بینی حاکم بر غرب آموزش

می‌بینند. مهم‌ترین کارکرد نظام ارزشی آن است که به انسان اولویت‌هایی را می‌دهد که بر اساس آن فرد را قادر به اتخاذ تصمیم و انتخاب می‌کند. پس انتخاب و گزینش‌های فرد تابعی از نظام ارزش‌ها و نظام ارزش‌ها تحت تأثیر باورها و جهان‌بینی است. برخی معتقدند که دخالت ارزش‌های حاکم بر خبرنگار بر روزنامه‌نگاری و تهیه خبر، غیرقابل اجتناب است. به هر حال روزنامه‌نگاران نیز مانند هر فرد دیگری دارای عقاید و افکار هستند و نمی‌توانند حوادث را در یک شکل عادی از هر گونه جهت‌گیری مطرح کنند. از جمله هربرت گاتر جهت‌گیری در اخبار را امری صحیح می‌داند، اما به شرطی که به شکل منطقی مطرح شود.^{۴۰}

در واقع برداشت هر فرد و تفسیر وی از یک رویداد با دیگری متفاوت است. این تفاوت برداشت از سویی ناشی از مسائل تربیتی، جامعه و محیط است و از سوی دیگر ناشی از مجموعه باورها و عقاید فرد.

با توجه به مبانی نظری که برای امپریالیسم خبری ذکر کردیم، بدیهی است که تربیت خبرنگار از سوی امپریالیسم خبری بر اساس آن چارچوب شکل می‌گیرد. در سایه این جهان‌بینی و نظام ارزشی اینکه چه رخدادی خبر محسوب می‌شود و ارزش خبری دارد یا آنچه در نزدیک خبرنگار مسلمان مطرح است، تفاوت می‌کند. اولویت‌های خبری نیز در این دو دیدگاه متفاوتند: یکی از اولویت‌های خبری امپریالیسم خبری، توجه به حوادث و رویدادهای فوق‌العاده است تا اخبار مربوط به پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی. از این رو رویدادهایی نظیر خشکسالی، قحطی، فساد، جنگ، ناآرامی اجتماعی و خشونت‌های سیاسی خوراک خوبی برای خبرنگاری‌ها محسوب می‌شوند.^{۴۱}

تهیه خبرهایی که از ایران در سال‌های ۷۹-۱۹۷۸ همزمان با سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی تهیه شده است، مبین دخالت این مبانی در ارزش‌های روزنامه‌نگاری است. این خبرنگاران و

خبرگزاری‌ها از مبارزان مسلمان که در جهت آزادی تلاش می‌کردند، به متعصبان مذهبی یاد می‌کردند. عکس‌العمل مردم مسلمان در قبال سال‌ها اختناق، به مثابه صحنه‌سازی مشتکی فرصت‌طلب مارکسیست که به متعصبان قرون وسطایی به وحدت رسیده‌اند، تلقی شد.

روزنامه **لوس آنجلس تایمز** در این زمینه می‌نویسد: «شاه در جهت غربی کردن کشور نفت خیز و ضد کمونیست ایران و کاستن از نفوذ سنتی روحانیون تلاش می‌کند و افراطیون مذهبی به خاطر مخالفت با این سیاست‌ها اکثر تظاهرات را سازمان‌دهی می‌کنند.»^{۴۲}

تا مدت‌ها پس از سقوط شاه گزارشی در مورد پایگاه‌های مردمی رهبری انقلاب منتشر نشد. مطبوعات انگلیس رخدادهای ایران را از زاویه بیکارشدن کارگران انگلیسی و متضررشدن شرکت‌هایی که با ایران قرارداد داشتند بررسی می‌کردند و مصائب ملت ایران را نادیده می‌گرفتند. مطبوعات آمریکا نیز بی‌طرفی را رعایت نکرده، در حالی که تعداد زیادی در جریان تظاهرات خیابانی به شهادت رسیده بودند، مطبوعات این کشور خبر از پایگاه وسیع مردمی رژیم می‌داد.^{۴۳}

نتیجه آنکه گزارش‌دهی، تهیه خبر و آموزش خبرنگاری در نظام امپریالیسم خبری همواره با مبانی ارزشی و رفتاری غرب است و ارزیابی آن نیز با معیارها و ملاک‌های غربی است.

- دخالت ارزش‌های حاکم بر سازمان‌های خبری: همان‌طور که جهت‌گیری افراد گزارشگر برخاسته از نظام ارزشی مسلط بر آنهاست، نهادهایی که اخبار را مخابره و ارائه می‌کنند به منزله شخصیت‌های حقوقی دارای خاستگاه اجتماعی و سیاسی بوده در نتیجه اخبار را از زاویه خاصی بررسی می‌کنند. از این رو همان‌گونه که مکتب گلاسکو معتقد است اخبار محصول صنایع ارتباطی است و الزاماً با واقعیات منطبق نیست، رویدادهای جهان عینی در عبور از زاویه‌های کاری به خبرهای رسانه‌ای تبدیل می‌شوند.^{۴۴}

سازمان‌ها بر اساس فرهنگ حاکم بر کشور اخبار را تهیه و گزینش می‌کنند. عوامل مؤثر در تهیه خبر به لحاظ سازمانی گاه درون‌سازمانی‌اند؛ نظیر اعمال نظر مدیریت مؤسسه، سیاست خبری و کارکنان، با توجه به ارزش‌های حاکم، و گاه برون‌سازمانی‌اند نظیر محدودیت‌های قانونی، اعمال نفوذ شخصیت‌های حقیقی و حقوقی. ۵۴ از سوی دیگر سازمان ارتباطی در تعامل با دیگر سازمان‌ها از آنها متأثر می‌شود.

دولت‌ها از جمله عوامل برون‌سازمانی‌اند که در بسیاری از کشورها فرایند کنترل اخبار را در دست دارند. در کشورهای جهان سوم سیستم اطلاع‌رسانی بیشتر دولتی است. در کشورهای غربی که مدعی آزادی مطبوعات و عدم دخالت دولت در این امر هستند نیز شاهد دخالت دولت‌ها هستیم، از جمله دولت انگلیس از طریق دفتر مطبوعاتی نخست‌وزیری به کنترل اخبار دست می‌زند.^{۴۵} دولت‌ها و سیاستمداران به انحای مختلف جلوی انتشار آنچه به صلاح خود نمی‌بینند، می‌گیرند. مهم‌ترین هدف این رفتار مشروعیت‌بخشی به وضعیت موجود و حفظ قدرت است. اگرچه تحت پوشش حفظ منافع ملی صورت می‌گیرد؛ در جامعه آمریکا بیشتر مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت نفوذ صهیونیست‌های یهودی است. البته در این میان نقش سازمان سیا را نباید از نظر دور داشت. بیش از یک‌سوم بودجه این سازمان در جهت تبلیغات در خارج از کشورها سرمایه‌گذاری می‌شود.^{۴۷} از شگردهای این سازمان انتخاب روزنامه‌نگاران از کشورهای آفریقایی و آسیایی و تربیت آنها در دانشگاه‌های آمریکاست. بدیهی است که این افراد در کشورهای خود در جهت خط‌مشی‌های تعیین‌شده از سوی سیا قدم برمی‌دارند. سیا به‌طور مستقیم با انتشار نشریه و روزنامه توسط عناصر خود در سراسر جهان و به‌طور غیرمستقیم از طریق نفوذ در هیئت نویسندگان و کادر خبرنگاران در مطبوعات اکثر کشورهای جهان سوم حضوری فعال دارد. بر اساس

افشاکاری مجلس سنای آمریکا، سیا در دهه ۱۹۷۰ بیش از ۲۴۰ نمایندگی و ایستگاه رادیو، روزنامه و مجله و اداره انتشارات در سراسر جهان دایر کرده است.^{۴۸}

- **شایعه پراکنی:** امپریالیسم خبری همواره در تبلیغات خود وجود یک دشمن خیالی را مفروض می‌داند و از طریق شایعه‌پراکنی تلاش در مخدوش جلوه‌دادن چهره او دارد. آنچه اصلاً وجود خارجی ندارد به‌عنوان واقعیت تلقی می‌شود. این سیاست نشئت‌گرفته از اقدامات گوبلز است.

ویلیام شاپ معتقد است که پخش اخبار نادرست و گمراه‌کننده، یک پدیده جدید نیست. تا پایان قرن گذشته انگلیسی‌ها یکه‌تاز این صحنه بودند، اما از زمان جنگ جهانی اول، آمریکا مقام نخست را در این زمینه کسب کرد. آنها با این تکنیک نوعی شست و شوی مغزی را مهیا می‌کنند تا جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهند. وی معتقد است که نیرومندترین و سازمان‌یافته‌ترین ماشین پخش دروغ‌های منحرف‌کننده در دنیای معاصر در آمریکا وجود دارد.^{۴۹}

گفتنی است که مبارزه با شایعه و اخبار دروغ و منحرف‌کننده، کار سهل و آسانی نیست و گاه سال‌ها وقت لازم است تا حقایق لازم جهت افشای دروغ تهیه شود.

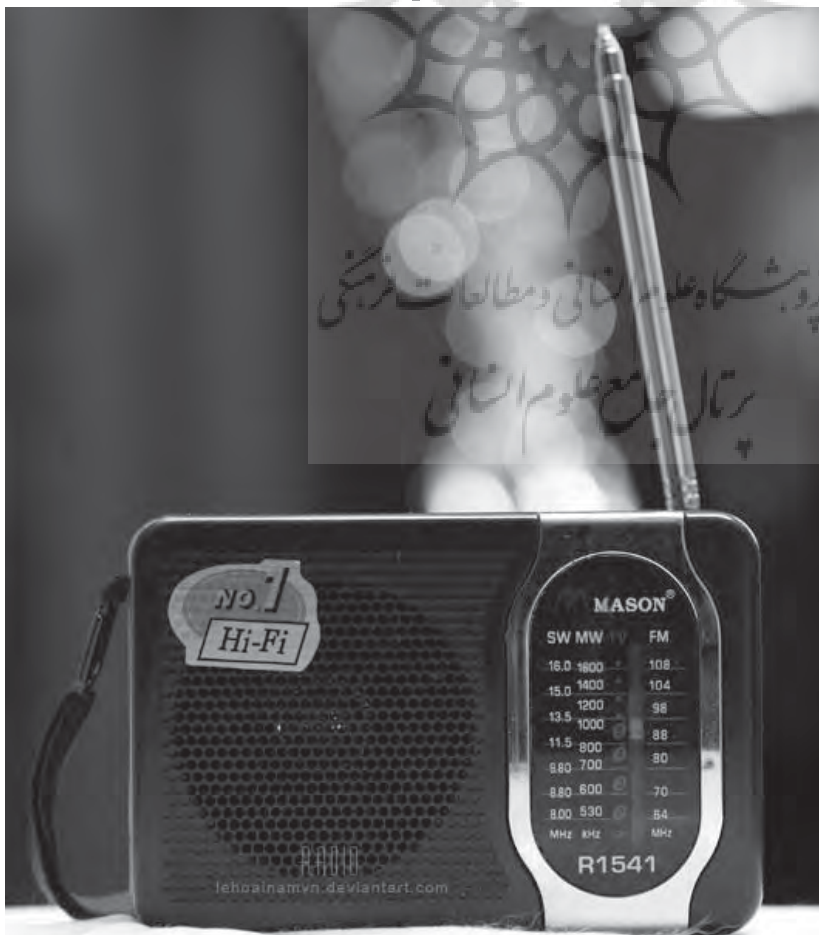
- **جعل و تحریف حقایق:** با توجه به ضعف عملکرد رسانه‌های جمعی در جهان سوم، در انتشار حقایق و واقعیت‌های اجتماعی، امپریالیسم خبری تلاش می‌کند تا با جعل و تحریف محیلانه و فریبکارانه، وقایع و حقایق جهان را وارونه جلوه دهد. البته یکی از شگردهای این خبرگزاری‌های جهانی آن است که کمتر از دروغ آشکار استفاده می‌کنند، بلکه اخبار را به شکل ماهرانه‌ای تحریف می‌کنند، به‌گونه‌ای که دریافت‌کنندگان خبر همان نتایج مورد نظر سیاستمداران و صاحبان زر و زور اخذ و اظهار نمایند.^{۵۰}

در ارتباط با جهان سوم، امپریالیسم خبری می‌کوشد با تبلیغات گمراه‌کننده در خصوص مبارزات آزادی‌بخش، متهم کردن

**اگر یک سیستم
اطلاعرسانی بومی وجود
نداشته باشد، چیزی
برای ایجاد همبستگی
میان گروه‌های فرهنگی
و قومی با گویش‌های
مختلف اعم از شهری و
روستایی وجود نخواهد
داشت.**

آنها به تروریسم و بزرگ‌نمایی اختلاف قومی و نژادی، ضمن جعل حقایق، آنها را به همسویی با سیاست‌های کشورهای غربی بکشاند.

- **استفاده از واژه‌ها و ادبیات ویژه:** از شیوه‌های امپریالیسم خبری در شکل‌دهی به افکار عمومی، به‌کاربردن واژه‌ها و اصطلاحات خاصی است که از بار مثبت برخوردارند. در این زمینه امپریالیسم خبری ادبیات ویژه‌ای دارد. در این ادبیات واژه‌های خوب و دارای مفهوم مثبت در خدمت منافع شیطانی و انگیزه‌های غیرانسانی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، امپریالیسم خبری جهت مخدوش جلوه‌دادن نهضت‌های آزادی‌بخش و سرکوبی ملل محروم جهان سوم از واژه‌هایی که بار منفی دارند استفاده می‌کند. در **قرآن کریم** در وصف منافقین آمده است که آنها خود را مصلح می‌دانستند، ولی مصلحان راستین را متهم به فساد در زمین می‌کردند.^{۵۱}



امروزه امپریالیسم خبری عدالتخواهی ملل جهان سوم را خرابکاری و جنایات قدرت‌های بزرگ را دفاع از حقوق بشر قلمداد می‌کند. براساس مبانی مذکور در ادبیات ارتباطی امپریالیسم خبری، شیوه عمل و اصل استراتژیک استکبار تحمیل «توجیه رابطه ظالمانه» و توجیه خوی تجاوز است. در روزنامه‌نگاری چارچوبی که اخبار در آن درج می‌شود، خبرهایی که مورد تأیید قرار می‌گیرد، خبرهایی که با حروف درشت نوشته می‌شود و انتخاب واژه توسط مخبران و سخن مفسران و نوع انتخاب عنوان‌ها و تیترهای اصلی و فرعی، همه براساس معیارهایی است که مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

همچنین در تلویزیون، زاویه دید دوربین، انتخاب تصاویر و واژه‌ها به گونه‌ای است که واقعیت‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این امر باعث شده که در بی‌طرفی واقعی این رسانه تردید نشان داده شود. تلویزیون به راحتی می‌تواند هنگام تهیه خبر واقعیت‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده و به انحراف بکشاند. حتی این باعث تردید برخی پژوهشگران شده که آیا می‌توان واقعیت را به تصویر کشید یا نه.^{۵۲}

- کاربرد شیوه‌های القایی: چنانچه پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده منافع مشترکی داشته باشند، مهم‌ترین هدف امپریالیسم خبری عبارت از صیقل‌دهی و تثبیت ارزش‌های مقبول است. اما اگر منافع مشترکی میان این دو نباشد، یکی از روش‌های ایجاد ارتباط، القاست. بدون شک در تضاد منافع، تأمین منافع یکی از طرفین، مستلزم از بین رفتن منافع طرف مقابل است. در تبلیغات القایی، همیشه یک بخش محرمانه وجود دارد که هدف تبلیغات القایی است.^{۵۳}

امروزه تبلیغاتی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد، همه با این هدف است که می‌خواهد به‌طور مستقیم القا کند که ایران در زمینه اقتصادی شکست خورده است و دین اسلام توان اداره جامعه در عصر کنونی را ندارد. برخی از محورهای القایی تبلیغات امپریالیسم

خبری عبارتند از:

الف) نفی شکست‌پذیری نظام سرمایه‌داری و القای ثبات پایدار برای نظام جهانی؛

ب) ترور شخصیت و نهضت‌های آزادی‌بخش و ایجاد زمینه برای محو فیزیکی؛

ج) شخصیت‌سازی برای عوامل نفوذی استعمار؛

د) تفرقه‌افکنی در کشورهای جهان سوم؛

ه) اسلام‌زدایی و تبلیغ عملی مبانی الحاد و سکولاریسم؛

و) پشتیبانی و ایجاد پوشش تبلیغاتی برای گروه‌ها و رژیم‌های وابسته به غرب؛

ز) توجیه افکار عمومی مردم جوامع صنعتی در جهت منافع امپریالیسم جهانی.

- زور و تزویر: امپریالیسم خبری در جهت تخدیر افکار توده‌های مستضعف جهان، قبل از آنکه از اهرم زور استفاده کند، «شیوه تزویر» را به کار می‌برد. در این راستا از یافته‌های دانش روان‌شناسی و دیگر علوم انسانی در جهت دستیابی به این هدف بهره می‌گیرد. امپریالیسم خبری تلاش می‌کند تا با مطالعه پیرامون ترکیب سنی جمعیت جوامع، پراکندگی اقوام، نوع مذاهب، تنوع لهجه و گویش‌ها، فرهنگ، سنت‌ها و شرایط حاکم بر جامعه را مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهد و بر اساس آن از شیوه متناسب زور یا تزویر بهره برد.

- برجسته‌سازی: رسانه‌های جمعی غرب، با برجسته‌سازی اطلاعات هیجان‌آمیز و مغرضانه تلاش می‌کند افکار جوامع را از حقایق و رخداد‌های دیگر منصرف سازند. در این راستا امپریالیسم خبری موفقیت‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع را بیان نمی‌کند، اما در مقابل به دشواری‌های رشد اقتصادی در کشورهای در حال رشد می‌پردازد و تلاش می‌کند آنها را زیر سؤال برد.

- سانسور: از شیوه‌های رایج در امپریالیسم خبری است که گاه به‌طور رسمی از سوی دولت‌ها اعمال می‌شود

و گاه خود سازمان‌های خبری قوانین نوشته و نانوشته در این زمینه را اعمال می‌کنند.

فرایند تهیه و انتشار خبر در نظام امپریالیسم خبری

براساس آنچه گفته شد، جهان‌بینی رسانه‌ای، جهان‌بینی دقیقی نیست. میان خبر اتفاق افتاده و خبر گزارش شده فاصله وجود دارد و این امر ناشی از مسائلی است که ذکر کردیم. امپریالیسم خبری با انتخاب تیترو و عرضه اطلاعات به مخاطب خود زندگی سیاسی روزمره‌اش را القا می‌کند. اینکه امروزه باید درباره این عناوین فکر کند و فردا پیرامون عناوین دیگر. به عبارت دیگر شیوه‌های امپریالیسم خبری موجب خلق واقعیت‌های اجتماعی است. اگر در این نظام، رخدادی به‌عنوان خبر گزارش شود واقعیت اجتماعی محسوب و بر افراد اثر دارد و اگر گزارش نشود به‌عنوان واقعیت اجتماعی تلقی نمی‌شود. کنترل اخبار بر فرایند تصمیم‌گیری افراد تأثیر دارد؛ چرا که تصمیم‌گیری افراد منوط به اطلاعات محیط پیرامونی است. کنترل این اخبار و اطلاعات به مفهوم تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها و تحلیل‌هاست.^{۵۴}

در نظام‌های طاغوتی که در قرآن از آن یاد شده همواره اینگونه نظام‌ها تلاش می‌کرده‌اند توده‌های مردم با انبیا تماس نگیرند و حرف حق را نشنوند. درباره فرعون و چگونگی رفتار او با قومش در قرآن آمده است که وی آنها را در استضعاف و ذلت نگه می‌داشت. در تاریخ اسلام نیز مشرکان با تهمت و افترا تلاش می‌کردند که افراد را از نزدیک شدن به پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) و شنیدن سخنان وی منع کنند.

پیامدهای عملکرد امپریالیسم خبری
عملکرد امپریالیسم خبری در شکل‌دهی به افکار عمومی، نتایج و پیامدهای سوئی به دنبال دارد. برخی از این پیامدها عبارتند از:

- انهدام فرهنگی جوامع: به اعتقاد برخی پژوهشگران از جمله پیروان مکتب

فرانکفورت، فرهنگ ملی کشورهای جهان سوم در نتیجه سیاست‌های خبری امپریالیسم خبری رو به ضعف و نابودی است. برخی دیگر در اعتراض به این دیدگاه می‌گویند که کشورهای غربی به دنبال دسیسه جهت نابودی فرهنگ جوامع نیستند، بلکه ساختار اطلاعاتی و سیاسی جهانی به گونه‌ای است که فرآورده‌های فرهنگی غرب به جوامع دیگر منتقل می‌شود و این امر موجب اختلال در فرهنگ این کشورها می‌شود. به عنوان مثال بسیاری از کشورهای جهان سوم جهت پر کردن برنامه‌های تلویزیونی خود، رو به سوی سریال‌های ارزان قیمت ساخت آمریکا می‌آورند.^{۵۵}

سیاستی که امپریالیسم خبری در پیش گرفته تلاش می‌کند حقایق را مخفی داشته و در جهت خواسته‌های خود شکل دهد، این امر تأثیر زیادی بر توده مردم دارد. این سیاست ریشه در ذات و جوهره امپریالیسم خبری دارد که «غرب‌مداری» و «خودبرتربینی» است. در سایه چنین تصویری وسایل ارتباط جمعی به مثابه یک ابزار تلاش در حفظ انحصار خبری، همراه با بالابردن هرچه بیشتر توان خود و انهدام طرف مقابل دارند. نظام استکباری در طول تاریخ در مواجهه با حق، آن‌طور که از منابع دینی برمی‌آید، در تلاش بوده

امپریالیسم خبری
همواره در تبلیغات خود
وجود یک دشمن خیالی
را مفروض می‌داند و
از طریق شایعه‌پراکنی
تلاش در مخدوش
جلوه دادن چهره او دارد.
آنچه اصلاً وجود خارجی
ندارد، به عنوان واقعیت
تلقی می‌شود.

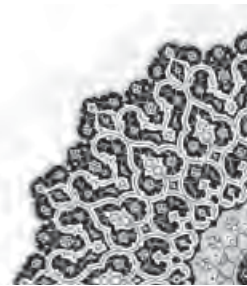
است تا با ترسیم چهره‌ای حق طلب از خود، و استفاده از الفاظ فریبنده خود را توجیه کند و حق جلوه دهد. از سوی دیگر جهت مخدوش نشان دادن جبهه مقابل از هیچ کوششی دریغ نکرده است.

- از خودبیگانگی: از دیگر پیامدهای امپریالیسم خبری از خودبیگانگی و نفی خردورزی است که منجر به احساس خلأ و خودکم‌بینی مخاطب و در نتیجه دنباله‌روی فرهنگ بیگانه می‌شود. سیاست امپریالیسم خبری در القای اخبار و مطالب خلاف واقع موجب می‌شود انسان‌ها از واقعیات فاصله گیرند و دچار بی‌تفاوتی شوند و به مثابه ابزاری در خدمت صاحبان زر و زور قرار گیرند. در رویکرد دینی در سیستم خبردهی یک‌سری اصول و معیارهای ثابت حکمفرماست. از جمله این اصول، حق‌پویی، صداقت و درستی، معتبر بودن منبع و... است که برخاسته از فطرت انسانی است.

یورگن هابرماس^{۵۶} معتقد است که تجدد و توسعه با خود خردگرایی و رهایی به ارمغان نمی‌آورد، ره‌آورد آنها بی‌خردی و از خودبیگانگی است. سرمایه‌داری در رهگذر تجدد و توسعه با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به دست‌کاری افکار عمومی می‌پردازد و این یعنی تحمیل نیازهای اجتماعی.^{۵۷}



در جوامع اسلامی، توجه
به محتوای برنامه‌ها و
بیان منسجم ایدئولوژی
اسلامی از سوی
رسانه‌ها که امروزه
به‌طور پراکنده صورت
می‌گیرد، یکی از راه‌های
مقابله محسوب می‌شود.



هربرت ای. شیلر نیز به این موضوع می‌پردازد که کار وسایل ارتباط جمعی آمریکا دست‌کاری در مغزها و قلب‌هاست.^{۵۸}

- **وابستگی فرهنگی:** انهدام فرهنگی و انقطاع فرهنگی، منجر به وابستگی این جوامع به غرب می‌شود. شیوه‌هایی که امپریالیسم خبری در اطلاع‌رسانی اعمال می‌کند، به اعتقاد بسیاری جامعه دریافت‌کننده را بیش از پیش در وابستگی نومیدکننده فرو خواهد برد. اگر یک سیستم اطلاع‌رسانی بومی وجود نداشته

باشد، چیزی برای ایجاد همبستگی میان گروه‌های فرهنگی و قومی با گویش‌های مختلف اعم از شهری و روستایی وجود نخواهد داشت.^{۵۹} درگیری لفظی که در سازمان یونسکو از دهه هفتاد به این سو در جریان است، تلاشی جهت تجدیدنظر در ماشین ارتباطات بین‌المللی است که اثرات شگرفی می‌توانست بر جهان داشته باشد.

- **دوگانگی فرهنگی:** بر اساس مبانی فکری که قبلاً بیان کردیم، یکی از مسائل روزمره کشورهای جهان سوم تهیه اخبار توسط روزنامه‌نگاران محلی است؛ به‌گونه‌ای که مطلوب خواننده خارجی واقع شود. ارزش‌های حاکم بر رسانه‌ها همواره با این کالاها به جهان سوم رسوخ کرده است. این ارزش‌ها به‌طور بنیادی با عوامل و ارزش‌های بومی در ستیزند. برخی دولت‌ها تلاش داشته‌اند از اتکای خود به خارج در این زمینه بکاهند، اما با کمبود متخصص مواجه شده‌اند؛ چرا که سازمان مدیریت و مهارت‌های تولیدی این رسانه متعلق به کشورهای خارجی است.^{۶۰} کشورهای توسعه‌یافته در جهت ایجاد وسایل ارتباط جمعی ولی منطبق با روش‌های غربی تلاش‌هایشان را توجیه کرده‌اند. در قاره آسیا بیش از ۱۴۰ نشریه انگلیسی‌زبان منتشر می‌شود و اگر این نشریات وجود نداشتند، خوانندگان آنها به مطبوعات داخلی و محلی روی می‌آوردند. این روزنامه‌ها و مجلات در برخی کشورهای آسیایی از نظر توزیع و چاپ ارزان‌تر از مطبوعات محلی است.^{۶۱}

راه‌های مقابله

یکی از راه‌های مقابله با تهاجم تبلیغاتی و امپریالیسم خبری غرب، حرکت در جهت مخالف شیوه‌هایی است که این رسانه‌ها در جهت اهداف خود از آن سود می‌برند. به‌طور مختصر برخی راه‌های مقابله را ذکر می‌کنیم:

- **بیان حقایق و واقعیت‌ها:** اگر یکی از شیوه‌های امپریالیسم خبری جعل و تحریف واقعیت‌های اجتماعی است، رسانه‌های جمعی کشورهای جهان سوم

باید تلاش کنند حقایق را در اختیار مخاطبان خود قرار دهند. وسایل ارتباط جمعی با بیان حقایق می‌توانند در جهت نفی سلطه امپریالیسم خبری گام بردارند و وحدت و همدلی را میان نیروهای جامعه حکمفرما سازند و نقاط آسیب‌پذیر فکری و فرهنگی جامعه را که امپریالیسم خبری بر آن تأکید می‌ورزد شناسایی و آن را ترمیم کنند.

در جوامع اسلامی، توجه به محتوای برنامه‌ها و بیان منسجم ایدئولوژی اسلامی از سوی رسانه‌ها که امروزه به‌طور پراکنده صورت می‌گیرد، یکی از راه‌های مقابله محسوب می‌شود. البته امروزه جهان اسلام از فقدان یک الگوی موفق جهانی رنج می‌برد و متأسفانه تبلیغات در جوامع اسلامی تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار دارد؛ زیرا از ابتدا الگوی موفق نداشته‌اند.

- **تعمیق بینش سیاسی و قدرت تعقل مخاطبان:** جهت مقابله با امواج امپریالیسم خبری بر روی مردم جوامع جهان سوم باید قدرت تعقل و تفکر و بینش سیاسی آنها را بالا برد تا امواج خبری کمتر آنها را تحت تأثیر قرار دهد. داشتن ششم سیاسی، توانایی تبیین و تحلیل خبر و تشخیص خبر صحیح از ناصحیح و برخورد علمی با اخبار وسیله‌ای است که مانع کاربرد شیوه‌های تبلیغی غرب است.^{۶۲}

منابع اسلامی به تفکر، تدبیر و تعقل تأکید زیادی دارند، امام علی (علیه‌السلام) در برخورد با اخبار بر تعقل تأکید فرموده، از نقل خبر بدون تعقل منع می‌کند.^{۶۳} این امر مبین چند نکته است. از جمله اندیشه در اخبار و عمیق‌شدن در آن و دوری‌گزیدن از ظواهر لفظی اخبار است. امپریالیسم خبری با تحریف و وارونه جلوه‌دادن اخبار درصدد واداشتن مخاطبان خود از اندیشه عمیق در اخبار است. از سوی دیگر تلاش دارد خبر را در قالبی از زرق و برق بیان کند تا مخاطب در محتوای آن تعمق نکند.^{۶۴}

نگاهی اجمالی به وضعیت کنونی امپریالیسم خبری، بیانگر آن است که این

وسایل نقشی تخدیرکننده بر افکار برجای می‌گذارند و به‌عنوان عامل سلطه سیاسی و حفظ وضع موجود و سازگاری اجتماعی محسوب می‌شود.

- همکاری جنوب- جنوب: راه مقابله با انحصار خبری غرب و ارسال عمومی خبر از شمال به جنوب آن است که کشورهای جهان سوم همکاری خبری خود را افزایش دهند. البته در این راستا اقداماتی از سوی یونسکو و سازمان کشورهای غیرمتعهد صورت گرفته است. اما اقدام عملی در این زمینه کمتر صورت پذیرفته است. در این راستا باید موانع این هم‌رایی را بازشناسی و با آن مقابله کرد. فقر و بی‌سوادی از عوامل مهم عدم توسعه ارتباطات در این کشورها محسوب می‌شود. از سوی دیگر نابرابری و پراکندگی ارتباطات از ناهمگونی‌های جهان سوم به‌شمار می‌رود. نابرابری در داخل کشور و نابرابری امکانات در سطح جهان از دیگر موانع این امر به‌شمار می‌رود که باید اقدامات اساسی در رفع آن صورت گیرد.^{۶۵}

از سوی دیگر می‌توان یکی از راه‌های مواجهه را در دوسویه‌ساختن جریان ارتباطات ذکر کرد؛ امری که طی سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ یکی از موضوعات مهم گروه‌های بین‌المللی و از جمله سازمان یونسکو بوده است. طی سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ در سازمان یونسکو بر لزوم توازن در جریان اطلاعات تأکید و خطرات وضعیت فعلی گوشزد شد. در سال ۱۹۷۶ کمیسیونی به ریاست شن مک‌براید با مشارکت پانزده محقق پژوهشگر ارتباطی از کشورهای جهان تشکیل شد. این کمیسیون گزارش‌های نهایی خود را در سال ۱۹۸۰ به سازمان مزبور ارائه داد. این مسئله منجر به خروج آمریکا و سپس انگلیس در سال‌های ۸۵-۱۹۸۴ شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. الحرائی، حسن بن علی ابن‌الحسین، تحف‌العقول، ص ۱۱۸.
۲. آیه ... إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلٰی فِی الْاَرْضِ وَ جَعَلْ اَهْلَهَا شِیْعًا یَسْتَضِعُّ.

۳. آشوری، داریوش. فرهنگ سیاسی، چاپ چهاردهم، ص ۲۸.
۴. الهی، همایون، امپریالیسم و عقب‌ماندگی، صص ۶۶-۱۰۴.
۵. بقره، آیه ۲۱۳.
۶. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد دوم، صص ۱۶۷-۱۹۹.
۷. زورق، محمدحسن، آیین‌نامه برنامه‌سازی رادیویی، ص ۴۸.
۸. روزنامه اطلاعات، مورخه ۵۶/۱۰/۷.
۹. Walt Rostow
۱۰. صدیقی، محمد «رسانه‌های اسلامی: امروز و فردا»، ترجمه مهدی منتظر قائم، رسانه، س ۳، ش ۴، ص ۱۸.
۱۱. اعراف، آیه ۶۱.
۱۲. سوره غافر، آیه ۲۶.
۱۳. غفاری، شعار «جریان یکسویه و نابرابر اطلاعات و اخبار» رسانه، ص ۲۶.
۱۴. اسمیت آنتونی، ژئوپولیتیک اطلاعات، ترجمه فریدون شبروانی، ص ۲۵.
۱۵. Altschall, Herbert. The news agecles and cultural imperialism, newyork, Longman, 1984, pp219-230.
- به نقل از مجله رسانه، پاییز ۷۱، شماره سوم، ص ۸.
۱۶. اطلاعات، شماره ۱۶۲۶، مورخه ۵۹/۷/۸/۲۰.
۱۷. زورق، محمدحسن، پیشین، ص ۳۵.
۱۸. ر.ک: روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۴۸، مورخه ۶۱/۲/۱۶.
۱۹. حضرت علی (علیه‌السلام) در وصف حاملان فرهنگ اسلامی می‌فرماید: و حملوا بصائرهم علی اسیافهم؛ که بیانگر درگیری فکری و فرهنگی حق و باطل است.
۲۰. مک‌براید، شن، یک جهان چندین صدا، ترجمه پرویز یاد، ص ۳۳.
۲۱. استوتزل، ژان، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کردان، ص ۳۶۸.
۲۲. اسدی، علی، افکار عمومی و ارتباطات، صص ۱۴-۱۱.
۲۳. دادگران، سیدمحمد. مبانی ارتباطات، ص ۵۷.
۲۴. همان، ص ۵۶.
۲۵. همان، ص ۷۹.
۲۶. مجله رسانه، شماره ۱، ص ۲۴.
۲۷. همان، ص ۲۴.
۲۸. شکرخواه، یونس، خبر، ص ۱۲۱.
۲۹. تگرین، رالف. روزنامه‌نگار حرفه‌ای، ترجمه فرانک پیروز فرد، ص ۴۱-۳۲.
۳۰. روزنامه اطلاعات، مورخه ۶۵/۱۰/۷ به نقل از

- خلاصه مقالات تبلیغ و تبلیغات، ص ۱۷۷.
۳۱. Johan Galtung
۳۲. شکرخواه، یونس. «عوامل مؤثر بر گزینش اخبار خارجی»، رسانه، سال دوم، شماره ۱، ص ۳۹.
۳۳. دادگران، محمد، پیشین، ص ۱۳۶.
۳۴. کازینو، ژان، قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، ص ۵۳.
۳۵. دادگران، سیدمحمد، پیشین، ص ۴۹.
۳۶. همان، ص ۵۸.
۳۷. ر.ک: روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۲۶۰، مورخه ۱۳۵۹/۷/۲۰.
۳۸. شکرخواه، یونس، پیشین، ص ۱۲۱.
۳۹. و لولا دفع‌الله‌الناس بعضهم بیعض لفسدالارض ولكن الله لذو فضل علی العالمین.
۴۰. تگرین، رالف، «خبر و تهیه خبر» مجله رسانه، ترجمه فرانک پیروز فرد، س ۲، ش ۴، ص ۳۶.
۴۱. اسمیت، آنتونی، پیشین، ص ۹۵.
۴۲. همان، ص ۹۶.
۴۳. همان، ص ۹۷.
۴۴. شکرخواه، یونس، پیشین، ص ۱۲۳.
۴۵. بدیعی، نعیم، «معیارهای گزینش خبر»، رسانه، ش ۲، س ۱، به نقل از روزنامه‌نگاری حرفه‌ای مجموعه مقالات، ص ۴۴.
۴۶. تگرین، رالف، پیشین، ص ۳۷.
۴۷. مجله پیام انقلاب، مورخه ۶۰/۴/۲۴.
۴۸. روزنامه کیهان، ش ۱۲۹۵۷، مورخه ۱۱/۱۹/۶۵.
۴۹. همان، مورخه ۱۳۶۵/۱۱/۱۹.
۵۰. ر.ک: روزنامه اطلاعات، مورخه ۱۳۵۹/۹/۸.
۵۱. بقره، آیه ۱۱.
۵۲. تگرین، رالف، پیشین، ص ۳۲.
۵۳. زورق، محمدحسن، پیشین، ص ۵۱.
۵۴. زورق، محمدحسن، پیشین، ص ۳۶.
۵۵. مجله رسانه، سال دوم، ش: ۸، ص ۵.
۵۶. Yorgen Habermas
۵۷. شکرخواه، یونس، خبر، ص ۹۸.
۵۸. Herbert I schiller
۵۹. اسمیت آنتونی، پیشین، ص ۲۳.
۶۰. همان، ص ۴۳.
۶۱. همان، ص ۴۵.
۶۲. ر.ک: روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۴۸، مورخه ۱۳۶۲/۲/۱۶.
۶۳. قال علی (علیه‌السلام) اقلوا الخبر اذا سمعتموه رعايه لاعتقل روايه. نهج البلاغه فیض‌الاسلام، حکمت ۹۴.
۶۴. ر.ک: روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۵۴، مورخه ۱۳۶۱/۲/۲۳، به نقل از خلاصه مقالات تبلیغ و تبلیغات، ص ۱۶.
۶۵. اطلاعات، مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۷.